



رهائی

سال اول شماره ۲۹
سه شنبه ۲۶ فروردین ۱۳۵۹
بها ۲۰۰ ریال

در این شماره :

• تحلیلی از علل و موجبات قطع روابط

آمریکا با ایران

از «انقلاب دوم» تا کودتای دوم

• هشدار به نیروهای انقلابی !

رژیم برای خلع سلاح نیروهای انقلابی توطئه می‌چیند

• یک سند دیگر در افشای رژیم

چگونه دیکتاتوری روحانیت در قلمرو صنایع اعمال میشود

• راه رشد غیر سرمایه‌داری (۲)

دهلیزی بسوی کشتارگاه

• اقتصاد توحیدی

در سالی که گذشت

قطع روابط امریکا با ایران

از "انقلاب دوم" تا کودتای دوم

بحران اقتصادی و سیاسی رژیم وی را مجبور به توسل به اقداماتی میکند که هر دم عمق بحرانها را بیشتر می نماید. جدال بارز بنی صدر و بهشتی آینده خوبی را در مقابل هیچ یک مجسم نمیکند. و چه بهتر از این،

قطع روابط دیپلماتیک امریکا و ایران که مهمترین تحول هفتدهی اخیر بود، در شرایط و احوالی انجام گرفت که آثار و عکس العمل هایش را کسرنده بر از ارزش فی نفس آن میکند.

برای تحلیل علل قطع روابط و پیش بینی رویدادهای آینده و بویژه اهمیت آن در رابطه با کل مسائل جنبش انقلابی بطور عام و جنبش کمونیستی بطور احصا، باید قدری به عقب برگردیم و حوادث چند ماه گذشته را در این ارتباط مرور کنیم.

هکامیکه "پیروان خط امام" سفارت امریکا را اسعال کردند و "انقلاب دوم" برافشاد کسایکه صرفا "ظاهرها" یک پدیده مینگردند بلکه با فاصله حسی تصور نمودند و یا "جنبش" را نمود کردند که با یک پدیده انقلابی جدید، با یک مجموعه رادیکال ضد امپریالیست که ناکهان در فضای سیاسی کشور درج شده است روبرو شده اند. سبب حمایت از دانشجویان از جیب و راست جاری شد و تا زمانیکه خود این دانشجویان بروشنی نشان دادند که با جنبش انقلابی همانقدر عداوت دارند که با "امپریالیسم امریکا"، پاره ای از سازمانهای چپ در سردر کم کردن مرث با هم مسابقه گذارند و بنا بر این نه تنها نتوانستند نقشی در اعتداله جنبش ضد امپریالیستی بازی کنند بلکه خود ساریجه هائی شدند در دست "پیروانی" که خود ملعبه دست دیگران بودند.

در رهائی شماری، بلافاصله

پس از اشغال سفارت امریکا مقاله ای نوشتیم و موضع خود را در آنزمان به صراحت بیان داشتیم. ما معتقد بودیم - و حوادث این اعتقاد را مسل کرد - که:

۱- دانشجویان پیرو خط امام یک پدیده انقلابی جدید نیستند. اینها اساسا یک برگ در بازی قدرتها، در نوطنه و مانور باندهای مختلف هیئت حاکمه اند. ۲- معهذرا علیرغم این مسئله، اشغال سفارت امریکا و هر اقدام حتی بظاهر ضد امپریالیستی دیگری که در جدال قدرتها بوقوع پیوندد میتواند بشرط هوشیاری نیروهای انقلابی، آثار مثبتی داشته باشد. بعبارت دیگر اقدامی که با یک دلیل خاص شروع میشود در ادامه خود و در برخورد با ساینده پدیده های اجتماعی میتواند تبدیل به امری گردد که منطور بطور باثبات آن نبوده است. در این زمینه تصریح کردیم که:

"کودتای روحانیت و خرده بورژوازی هر چند نخواهد توانست برای مدت طولانی جلوی بورژوازی را بگیرد، معهذرا در کوتاه مدت وضع آنها را تثبیت خواهد کرد و حرکت بزرگ لیبرالها را دچار دگرگونی خواهد نمود. مانیز با آنکه اقدام اخیر را اصل نمیدانیم، معهذرا جنبه تشدید احساسات ضد امپریالیستی مردم در آن را در دراز مدت مفید ارزیابی می کنیم."

مسیر حوادث به بهترین وجهی صحت این مدعی را ثابت کرد. و فایع نشان دادند که اشغال سفارت، در واقع کودتای خرده بورژوازی و روحانیت وابسته بآن علیه قدرت رو بفزونی بورژوازی بود. قبل از این اقدام، بازرگان و شرکاء، و نیز ساینده لیبرالهای طالب قدرت سهم بیشتری در قدرت سیاسی میخواستند و زمینه های عینی اجتماعی نیز امیدواریهای زیادی برای آنان فراهم کرده بود. سیاست گام بگام، در حقیقت تسخیر گام بگام مواضع سیاسی توسط نمایندگان بورژوازی بود و نمیتوانست مورد موافقت رقبا قرار گیرد. کودتای "پیروان" نه تنها این روند را برای مدتی متوقف میکرد بلکه در عرصه تضادهای درونی روحانیت نیز نقش بازی میکرد و اهرم جدیدی بدست امام میداد تا حزب مستقل خویش را پایه ریزی کند. فعالیت سید احمد حمینی و سایر روحانیونی که در نفسیم قدرتهای پیشین موقعیتی کمتر از انتظار خود بدست آورده بودند در این زمینه چشمگیر بود.

این اقدام بهر حال از چند لحاظ موند بود:

۱- بالا گرفتن موج احساسات ضد امپریالیستی توده های مردم، رژیم را در موضعی قرار میداد که مدارا و سازش با امپریالیسم را لااقل برای مدتی دشوار می نمود. ۲- شعار مبارزه با امپریالیسم که همواره شعار بحق چپ بوده است بعلت بی برنامه گی و بی تحلیل

بدین ترتیب بود که خرده بورژوازی و روحانیت وابسته به آن ناشر سرد خود را کم کم رابل شده دید و بورژوازی "لیبرال" در چهره آقای سی صدر به اسد های تازه دست یافت.

اما مسئله دوم که عبارت بود از تلاش یک گروه غیر منسجم روحانیت و خرده بورژوازی در تفوق به بحش متشکل آن (جمهوری اسلامی) نیز، اصلاً با فرجام ماند. در منظور پیش از اشاره کردیم که حزب امام با تکرفیت و دانشجویان خیلی زود سراز آنگاه که عده ای تصور میکردند به آلت دست حزب جمهوری اسلامی مدلل شدند و این اهرم همه کار آئی خود را در خدمت این حزب فرار داد.

بدین ترتیب بود که پس از چند ماه مجدداً نوازن نیروهای بورژوازی و خرده بورژوازی و نیز جناح های درونی خرده بورژوازی بوضع مسل از

که تا زمانیکه مناسبات تولیدی سرمایه داری دگرگون نشود - یعنی تا انقلاب سوسیالیستی - این مناسبات بعین کندهی نهائی بشر با طبعی است. حاکم بر جامعه خواهد بود. ائتلاف بورژوازی و خرده بورژوازی که طبعی آن قدرت اقتصادی بدست بورژوازی و وفدرت سیاسی بدست خرده بورژوازی افتاده بود مطمئناً بارها و بارها باید در جهت تعرض بورژوازی به زمینه های سیاسی مورد تجدید نظروافع میشد و شد.

نیروئی که قدرت اقتصادی را در دست دارد آرام و برده و ارتشاده ضروری نیروئی دیگر نخواهد ماند. تلاش بازرگان و شرکاء در این زمینه مطلقاً طبیعی و قابل پیش بینی بود و باز این نیز مسلم و قطعی بود که این تلاش بعد از کودتای روحانیون نیز ادامه خواهد یافت. بورژوازی از در

بودن چپ بدست خرده بورژوازی افتاد و مبدل به ابراری شد برای تشدید سلطه ی خرده بورژوازی و حمله به چپ.

۳- از پیش روی لیبرالها برای مدسی جلوگیری شد و نفس این اقدام همراه با "افشاء گریه های" بعدی دانشجویان اعتبار آنها را در مقابل سوده های مردم تضعیف کرد. بعدی که بعضی از سازمانهای چپ که در گذشته از "حکومت ملی بازرگان" دفاع میکردند بحیران کج روی گذشته ی خود، از آن طرف امام بزرگتر امسند و چنان درگیر "خشم" ضد لیبرالی شدند که بدفعاع از مخالفین ایضاً مرتجع آنها افتادند.

۴- آرزوی حاج سید احمد آقا و دیگران در ناسب حزب خودی بیک فرجام نبود. تشکیلات روحانیون

اما اگر خرده بورژوازی نداند، کمونیستها میدانند که آنچه تعیین کننده ی اصلی حرکت جامعه است در بطن جریان دارد. مسائل اساسی اقتصادی و بالنتبع سیاسی خود را هر لحظه تحمیل میکنند و نیروهای اجتماعی را مجبور به اعتراف بواقعیت می نمایند.

آنان باز گشت و آثار مابور تا اندازه ی زیادی زائل شد.

اما اگر خرده بورژوازی نداند، کمونیستها میدانند که آنچه تعیین کننده ی اصلی حرکت جامعه است در بطن جریان دارد. مسائل اساسی اقتصادی و بالنتبع سیاسی خود را هر لحظه تحمیل میکنند و نیروهای اجتماعی را مجبور به اعتراف به واقعیت می نمایند. سایر این هنگامیکه گفتیم میشود که آثار مابور زائل و توازن بحال گذشته برگشت وقایع اساسی نری را که در این فاصله اتفاق افتاده است نیز باید در نظر گرفت و بحساب آورد.

مهمترین واقعه سائیده شدن بیش از پیش پایه های قدرت توده ای رهبری خرده بورژوازی در ماه های گذشته بود. این امر که خود معلول تشدید بحران اقتصادی و بی سرانجامی و بی برنامه گی رژیم بود انعکاس مسلم و غیر قابل

بیرون رفته از دریچه وارد میشد و بازرگان در قالب بنی صدر ظاهر میگشت.

بدین ترتیب طبعی است که خرده بورژوازی که با تصور سومیق کامل کودتای آنان خود را حاکم واقعی میدید از اینکه پس از اینهمه ماحرا و کلنجار رفتن با بازرگان، بنی صدر را در مقابل و مافوق خود می دید، بسیار نگران بود. این درست است که خرده بورژوازی تحلیل خود را بر مناسبات تولیدی نمیکرد ولی این نیز درست است که واقعیات ملموس را وقتی در مقابلش ظاهر شدند حس میکند و می بیند. خرده بورژوازی ممکن است دلیل و مکانیم پیدایش روندها را بدرستی تشخیص ندهد و همه چیز را مربوط به "توطئه ی" این یا آن فرد قلمداد کند ولی منافع خود را بخوبی تشخیص میدهد و در این باره کمتر اشتباه میکند.

با وجود اظهار عبودیت در مقابل امام نه تنها کماکان در حیطه ی کنترل حزب جمهوری اسلامی باقی ماند بلکه "بجوی آمد و غلام برد". پیروان خط امام که قرار بود اهرم قدرتی در مقابل حزب جمهوری اسلامی نبود، توسط همین حزب بلعیده شدند و آقای بهشتی نشان داد که چند پیراهن بیشتر از احمد آقا پاره کرده است و زاده امام تا امام زاده شدن راه طولانی در پیش دارد.

اینها برخی از آثار این اقدام بودند، اما نیک میدانیم که قدرت و مدت اثر مابور و توطئه جاودانی نیست و دیر یا زود واقعیات سخت زمینی خود را تحمیل میکنند و در این مورد نیز چنین شد.

اول آنکه غلبه ی سیاسی خرده بورژوازی در طول زمان مجدداً مورد تعرض قرار گرفت. در پیش اظهار داشته ایم

تردید خود را در انتخاب بنی صدر و آراء چشمگیر مدنی یافت و نشان داد که نزدیکترین افراد به اردوی بورژوازی - بنی صدر و مدنی - بیش از ۹۰ درصد آراء شرکت کنندگان را بحدود اختصاص دادند. در اینجا البته جای بحث در مورد واقعیات یا تقلبی بودن این در صد آراء و نیز اثر توطئه های رژیم در جلوگیری از شرکت کاندیداهای مترقی در انتخابات و تحریم انتخابات توسط سارمانهای مترقی و لهذا امتناع مردم آگاه از رای دادن نیست، اما در هر صورت یک امر مسلم است و آن اینست که شرکت کنندگان روسی اظهار تمایل خود را به سروسامان یافتن وضع و خروج از حیطه سلطه روحانیون و بی برنامگی آنها نشان دادند و این نمیتوانست بخت رهبری خرده بورژوازی را برآورد.

مسئله انتخابات مجلس شورای آزمون دوم بود، در نظر خواهیهای قبل از انتخابات این نکته مسلم شده بود که کاندیداهای مترقی و نه سراسر کاندیداهای "لیبرال" به تنها در بسیاری ارباط بورژمنی های جمهوری اسلامی را بکنار خواهد زد بلکه این احتمال بطور قوی وجود دارد که اکثریت مجلس بدست نمایندگان مخالف و نمایندگان رقیب بیفتد. توسل به تقلب نه فقط تنها راه انتخاب نمایندگان مورد نظر بود بلکه تنها راه جلوگیری از مرگ سیاسی آنها تلقی میشد و این بود که این امر یعنی تقلب نه نهایت های خود و بحدی که باد آور بدترین دوران آراء میزد بود انجام شد. برای جلوگیری از مرگ، توسل به همه و هر چیز برای سرزنی که برسیب ندارد محاز است. و این را همگان به رای العین دیدیم. در اینجا بار امام مطابق معمول به کمک آمد و با تعلق معروف خود پس از انتخابات قوی داد که همه چیز کم و بیش درست و صحیح بوده است و به بازندگان توصیه کرد که شک نشوند و به ساخت خود اعتراض نکنند. حال بگذار نیروهای حزب، دموکراتهای مترقی مذهبی و غیر مذهبی، نمایندگان بنی صدر و بورژوازی

و حتی بخش مهمی از خرده بورژوازی حول و حوش رژیم فریاد برآرند و سند نشان دهند که میران تقلب و جستن اک بوده است. اینها هیچیک مهم نیستند. مهم آنست که امام چه بگوید. و معلوم است که چه میکند. بدین طریق است که مهر رسمیت به "آخرین گام" جمهوری اسلامی زده میشود و زبان کوپا تر، رهبری خرده بورژوازی در مجلس مسلم میگردد.

اما، هم بورژوازی و هم خرده بورژوازی علیرغم جدالهای خود که بسیار هم شدید است هر دو میدانند که در جدال آنها دشمن اصلی بردهای نهائی است. آنها بقول معروف اکثر کونت بکدیگر را بخورد استخوان همدیگر را بدور بخواهد انداخت. آنها میدیدند و می بینند که مشکلات اساسی غیر قابل حل آنها، زحمتکشان را هوشیار و بالنتیجه سرزنی حسب را قویتر خواهد کرد. آنها گسترش روز افزون ناراضی، اعتصابات و تحمن ها را میدیدند و میدانستند که این امر در نهایت خود چه سرنوشتی را در مقابل آنها قرار خواهد داد. هدف آنها هدفی واحد بود اما راه حصول آن در پاره ای موارد مشترک و در مواردی کاملاً متضاد بود.

هر دو بخش هیئت حاکمه، بورژوازی و خرده بورژوازی در وجود خود آوردن زمینه برای سرکشی مخالفی متفق بودند. در گذشته ما در راهانی به نوطه های مشترک آنها در حمله به کردستان اشاره کردیم و معهذاً در همان زمان علیرغم همه جدیت و حسنی که رژیم در ابتدای حمله به کردستان نشان داد اظهار داشتیم که رژیم قادر نیست ابتکار را از نظر خود به سرانجام برساند. در آزمون عده ای کشیری با اس اظهار ما موافقت نبودند ولی وفای بعدی نشان داد که پیش بینی ما درست بوده است.

زمینه دوم سرکشی، در نوطه های مشترکی ندارد دیده شد که شرح آن در همین شماره در مقاله ای "هنگام به نیروهای انقلابی" آمده است. اینجا آنوب برای زمینه سازی حمله به مخالفین یکی از شیوه های شاخته شده

نیروهای ضد مردمی است و در این زمینه رژیم حاکم از هیچ بدیگری فروگذار نکرده است.

اما وجود این زمینه های مشترک و مورد توافق، اختلاف اسرازی - اکثریت توان نام آنها اسرازی گذاشت. دو بخش هیئت حاکمه را پنهان میکند. اسرازی بنی صدر و علی الاصول بورژوازی، بازسازی اقتصاد سرمایه داری، باز سازی ارض، ایجاد شرایط مناسب برای انباشت سرمایه و بنابر این جلوگیری از گسترش حرکات اعتراضی جنبش کارگری و نیروهای کمونیست و میان بردن سورا های کارگری است. این اسرازی البته با رمانیکسم بصورت یک طرح مهم، بدون برنامه ی دقیق و واقع بینانه بانی نماد در حد یک جواب و خیال آرزو بانی خواهد ماند.

بنی صدر بعنوان نماینده دست سوم و بی گفایت بورژوازی علیرغم ادعاهای "اقتصاد داناهاش" - و عمدتاً بدلیل وابستگیهای از نظر وجود او ضروری به رهبری خرده بورژوازی - قادر نبوده و نیست که برنامه های اصولی برای بازسازی اقتصاد سرمایه داری ارائه کند و در موقعیت تضاد مندر خواست ازدیاد تولید همراه با عوام فریبی های "اسلامی"، خود را گرفتار می بیند. وی از یک طرف مجبور به عوام فریبی های کدانه ای نظیر از میان برداشتن سود و بهره و نظائر آن است و از جانب دیگر آنقدر ارفاقون حرکت سرمایه و مناسبات سرمایه ای ایران و جهان بی اطلاع نیست که امام حل فصد را در یک فتوی بسند. این امر که او معارها و حواس سوسال دموکراسی غرب را در قالب "اسلامی" و تحبزه های از خود من در آری بی سر و به ارائه میدهد از یک جانب درک نابل یک عوام فریب کم دانستن را نشان میدهد و از جانب دیگر دانستن آن میران از شناختن که نداشته سرمایه داری ایران بدون بسود و وابستگی به سرمایه ی جهانی حرمی مفت و بی معنی است. سایر این وی به دنبال سلف خود آفای باررکان از هیچ کوششی برای جلوگیری از وحامت

مناسبات ایران و آمریکا و سایر دول سرمایه داری خودداری نمیکنند و بر خلاف رفیقان سر در کربان خود، موجهی اسفاد جهانی مسائل ایران نمیداد.

اما اسرائیلی حربه بورژوازی ویا بهر مکتوب حرکت روزمره میدون اسرائیلی آن در عین حال بدکسب اهداف سرمایه داری لحاظ آنکه هیچ خبر دوزخ را و کسبی خود را نمیداد بدو با میخواهد بسند حتی درجند کلی هم مشخص نیست و حر کردن روزانه حتی ادعای ارائه طرح هم نمیکند.

در اسحاق لارم اسب توضیح بدهیم که حربه بورژوازی و رهبری آن همواره از یک سرش نیست و یک هدف را دنبال نمی کنند. در تاریخ مکرراً حواری بر خورد می کنیم که عناصری از بورژوازی و حتی فئودالیست در راس یک حربه بورژوازی قرار گرفته و

از آن اسفاده برید.

جاسوخانه در خدمت جدال قدرت

ماجرای اسفال جاسوخانه که شرح آن رفت در ادامه ی خود مسائل جدیدی را بخود آورد. اسفاده ها و سوء اسفاده های طرفی - طبقه ی حاکمیتی ایران و آمریکا - فعلا توضیح داده شده است و بر به این مسئله که عدم تصرف در حل قصه، مشکلی برای طرفین ایجاد نکرد در شماره ی پیش در مقاله ی مربوط به پیام کارگری پرداخته شده است. طرفین بایستی نتیجه رسیده بودند که باید مسئله را بر سر سامان داد و بر سر ایران اجازه بداد که معاف افکار بهره برداری کنند.

در حقیقت رمیبه های این کار از جهات مختلف تدارک دیده شده بود و اسفال کروکاتها از دست "دانشویان

ارتش توام منند، رژیم جمهوری اسلامی به عمده ترین اهداف خود دست یافته و تاسیس تشیستدن را می یافت. اما این سیر مایند همه ی خواب و خیالها لحظه ای پیش نیاتید.

خواب و خیال از آنجهت در سرمایه دگره در طراحی آن صرفا حواسها و مسائل سرکوب شده یک شخص است که خارج از دایره مطلق معارف محال حوالان می باشد. در خواب و خیال جانی برای اقبال و حواسهای ظرف مقابل نیست و سهمین جهت در کجوجکریست. اساسا واقعیت چون جانی می برسد. رژیم ایران بر درست در لحظاتی که اسطارش را بدست دسوار واقعیت خورد.

توضیح آنکه آمریکا در این میان بمواسب مسائل خود را نداشته نکرد. از ابتدای اسفال سفارت دو مسئله در مقابل آمریکا قرار داشت.

در تاریخ مکرراً حواری بر خورد می کنیم که عناصری از بورژوازی و حتی فئودالیست در راس یک حربه بورژوازی قرار گرفته و بر مرکب آن سوار شده اند. اینها تا زمانیکه بقدرت نرسیده اند خود را مبلغ و نماینده حربه بورژوازی می نمایند و تنها پس از رسیدن بقدرت است که ماهیت طبقاتی خویش را آشکار میکنند.

بر مرکب آن سوار شده اند. این موارد بد آنها متعدد بلکه اکثریت مطلبی حالات را بسکین میدهند، اینکه حه علل عینی و ذهنی و حه رمیبه های اجتماعی موجب وقوع چنین امری نمیداد در هر مورد متفاوت است ولی همانطور که گفته شد نتیجه آن است که چنین حربه بورژوازی حربه سواری بخشی از بورژوازی نمیداد. طبیعی است که این بخش از حربه بورژوازی با همکامکند در برنده اسفاد را مبلغ و نماینده و طالب حواسهای بونده مردم - حربه بورژوازی - می نمایند و تنها پس از رسیدن بقدرت است که ماهیت واقعی طبقاتی خویش را آشکار میکنند. سایر این هیچ جای شکنی نیست که سرمایه دارانی چون پهنی و رفیقانی بر راس چنین حربه بورژوازی قرار گرفته و خود را نماینده ی حواس و نمایلات آنها تلمذاد کنند و در مبارزه ی درونی طبقه ی حاکم و خدال بر سرفدرد

برو خط امام" - بخواند حزب جمهوری اسلامی - به سواری اسفال مورد توافق قرار گرفته بود و شرط کمر سکن (۱۱) و محک آفای بی صدر برای انجام آن یعنی توفیق طبقات علیه ایران (۱) از جانب آمریکا مورد قبول قرار گرفته بود. رژیم آورده از حرکت بسبب حل این معطل و کسب بفاهیم و توافق آمریکا، لاسرکشی به کردستان را تدارک میدید و اطمینان کامل داشت که در این مسئله از حمایت آفای کارگر که انتخاب مجدد خود را در کرو موقیبت در پس گرفتن کروکات ها و همکاری آفای بی صدر می دید برخوردار خواهد بود. بنظر رژیم حل مسئله ی کروکاتها آخرین مشکلات را در مناسبات ایران و دول سرمایه داری از میان بر میداشت و این بررکترین طرح برای خروج ایران از بحران اقتصادی بود و اگر این امر با کسب پیروزی در کردستان و نارسازی

اول آنکه منافع عمومی آمریکا بنظور کلی دستخوش صریح قرار نکرد. اسفال سفارت برای کسوری که جاسوخانه های سیمار و منافع سیمار در غالب نقاط دنیا دارد بمواسب بلا خواب گذاشته بود و بلا خواب هم گذاشته خواهد شد. "اعیان" آمریکا در معرعه مصاف بود و ایران به آنها آمریکا بلکه همه ی مدرسه های جهانی علیه عزم صادها بسان لمس نکردند. اگر قرار باشد که یکفهی کارگر هر گروه "عائی" حریم مصوب دیپلماتیک جاسوهای آمریکا را در هم بتکنند و این مسئله بلا خواب نماید سنت ثابت است. نحملی پایه کداری شده است، اما مسئله ی دوم در کنار منافع عمومی آمریکا، منافع جناح حاکم، ریاست جمهوری و سنکلاسن بود که نفس تبدیل گنده را در حرکت آمریکا داشت. اسفال سفارت مجالی بدست کارگر میداد که با اسفاده از بیدارین جو "میهن

و ایران به دیدن این حدال همسایه کماشاه است. از یک جانب رژیم بعثی عراق که سردر آغوش امیرالاسلم دارد، هم بخاطر افعای بعضی محول و هم احراف افکار مردم خود به خارج و سرکوب ناراضی داخلی (که بسیار شدید است) به اتحاد عراق در روابط دو کشور علاقمند بود و از جانب دیگر کسانی در ایران که همسایه اهداف را دادا سید بطور آگاهانه، وعده ای دیگر که مسعودرور "احسان" میهن برسانه "هستند آگاهانه در این میان آنی به بار میفرستد. عراقی که مسئله ای سه جزیره و مرزها را باطل تمام ناهمسایه "حل" کرد تا گمان نادرستی بودن عراق را با دو هم و عم خود را مصروف احقاق حقیق خلق عرب در سنگی هر میسر - بعضی درست همان نقطه ای که مورد نظر امیرالاسلم است - نمود. بطرما بعضی کمکی عراق به امیرالاسلم در این مسئله مسلم است ولی در عین حال هم بصورتی که

را که به مذاکرات امیدواران بسته بود "مفلس" کرد، اما در واقع رویداد عجیبی نبود. اگر کار بر خراس میگردید - ای سگفتی بود.

به حال روابط قطع شد. آنهم از طرف آمریکا. ولی بقول آقای فیضی: "را ده مطابق خواست ملت ایران (والله معلوم نیست عراقی قطع را ده را انجام این امر آنقدر ظریف و فسیده که کار بر محور شد "تک کار در دست در عرس نکند" (۱۱) این اقدام بهر حال با سراب بسیاری برآمده - های دولتی ایران و آمریکا و از آن مهندس در صورت مبارزات انقلابی در ایران خواهد داشت.

ما در صفحات پس به ضرورت و فوائد این اقدام برای حجاج کار بر اساس ساره کرده ایم در اینجا به بررسی وضع در ایران میپردازیم.

کودنای دوم

در حال حاضر با تبلیغات وسیعی که در عراق و کویت و امارات خلیج و عربستان علیه ایران میشود - قدر مسلم آنست که امکان حمایت دول و حتی توده های نا آگاه مردم این مناطق از ایران بسیار کمتر از سابق و بنا بر این دست امیرالاسلم باز تر از گذشته شده است

که دیدن بعضی معادل ایرانی آنها حکایت از سردر رویی داشته باشد.

بهر حال در حال حاضر با تبلیغات وسیعی که در عراق و کویت و امارات خلیج و عربستان علیه ایران میشود و صرف نظر از اینکه غلبی که بر مردم همراه با حمله علل ناسا حقیق دیگری باشد، قدر مسلم آنست که امکان حمایت دول و حتی توده های نا آگاه مردم این مناطق از ایران بسیار کمتر از سابق و بنا بر این دست امیرالاسلم باز تر از گذشته شده است. بدین ترتیب کار بر که همواره امکانات مختلف را کنار گذاشته و بسط به هر یک را بر حسب احوال تحقیق بر پایه منحصر و ارزانی عکس العمل - های آن و نیز همان اندازه بهاء سبع اینجا باسی خود در نظر میگردید و باطله ای جدا عیبی از دستور امام مبنی بر مانع کروکاتیا در دست دانشجویان، مسئله ای قطع روابط و محاصره ای اقتصادی را عیب کرد. اگر این امکان برای رژیم ایران غیر منفرجه بود - که بود - و بویژه کما

قطع روابط آمریکا و اصرار حیرت جمهوری اسلامی در یکا هدایت کروکاتیا در دست دانشجویان که یکی از زمینه های آنرا تکمیل میدادند و بر دیگران باطله ای این حزب بعنوان نموده ای از باطله مد امیرالاسلمی آن معرفی خواهد شد و کرداسندگان آن خواهند گویند که آنرا حداکثر بهره برداری سیاسی را میسازند. در حقیقت این مسئله، بعضی بکار بر باطله ای کودنای آن را داد و بهر حال و ربه ای بود و بیغ حربه به "بوزواری در حدالش با نور واری. این مسئله که این بطله ای که در حدالش باطله ای میسازند "بیخ گشوده" باید در روزهای آینده معنی خواهد بود ولی بطرما تکرار بار به همواره تکراری مبدل است. بوده های مردم ایران با کد و بحارب بسیاری بدست آورده اند و همه ای آنها بهمان سبب آنرا ماه کنج نخواهند شد. اما این قطعاً باطله حال همه نخواهد بود. و اینها هستند که مورد نظر آقای فیضی اند.

اما در فعال این مسئله سیرحهای مختلف هست، حاکم علیرغم تمادهای خود، نقاط اشراک فراوان دارند و معضله میگردند که از آن بهره برداری کنند. مهمترین نقاط اشراک مافع را در بطنی های سنی صدر پس را اعلام قطع روابط میسازد جسد کرد و اینها عناصر در: اقدام در سرکوب سروه های مصری، بار ساری ارس و سایر سروه های مسلح و اسفیل ارس به کردستان بهانه حاکم عراق ولی به منظور سرکوب خلق کرد، سرکوب حبش کارگری و بار سازی اقتصاد سرمایه - داری و ارس بر د نورا های کارگری. آقای سنی مدرخواست خود را بحوسی فور موله کرد. "دشمن" در مقابل ماست. بنا بر این هرافدای علیه دولت، هر تعللی در انجام وظایف محوله، هر کوبا هی در فروختن نیروی کار و خلاصه هر چیزی که به "وجدت کلمه" بنا بر اینها اقدام میسازد باطله ای بطنی شده و شدت سرکوب خواهد

شد. این امر باطله طسین خود را در احطاریه دادستان کل انقلاب یافت و سایر رعمای قوم سیرکی سار دیگر برای حبش مصری ساج را به کشیدند. به گمان ما رژیم حقیقی بوسل به این حربه موفق نخواهد شد که بر مشکلات عدیده داخلی و وضع ناسا مان اقتصادی سروس بکارد اما گمان ما، گما بر رژیم است. مطمئناً بسیاری از کرداسندگان امور خراس می استارند و بیعت نیست که بدینال این توهم - با حجاب - به اقدامات بدیدی دست بزنند. این اقدامات البتة میتوانست بهرانی به جنبش مصری وارد آورد ولی در دراز مدت به شکست فاجع رژیم منجر خواهد شد. هیچ نوظنه و مانع سوری نخواهد بود است حیدمیلیون بکار، میلیونها کارگر و دهقان، و بیستار این توده های ناراضی مردم را که نخریسه سنا ریک ساله ای از جمهوری اسلامی دارند ساکت کند و یا برای مدت طولانی بفریبند.

هشدار به نیروهای انقلابی!

رژیم برای خلع سلاح نیروهای انقلابی توطئه می‌چیند

در حالیکه در واپسین روزهای سال گذشته هیئت حاکمه به بهانه‌ی قطع نفوذ نیروهای مترقی و انقلابی از منطقه، با یورش به خلق ستم دیده‌ی ترکمن صحرا، ایلغار مسردم زحمتکش‌کنند و کشتار ضد انقلابی ۴ تن از رهبران آن ماهیت شکنجه‌ی سرمایه‌داری ایران را آشکار کرد؛ در شرایطی که در آستانه‌ی سال نو، همچون سروز سال گذشته، بار دیگر تسماران ارتش شاهنشاهی در سایه‌ی قرآن و اسلام و به بهانه‌ی مانور واحدهای نظامی ارتش، اهالی روستای "قاتلان" کردستان صهرمان را بخون کشیدند و الحق روی صهیونیت‌های جنایتکار اسرائیلی در سرزمینهای اشغالی فلسطین و کوماندوهای سفاک و جوهریز آمریکائی در هند و چین و ویتنام را سفید کردند؛ در شرایطی که راهپیمایان بی‌گزار در اندیمشک و درود با گلوله‌های "باسداران ضد انقلاب" و سرمایه‌داران حاکم بخون شبیدند و خانواده‌های بسیاری در غم از دست دادن نان‌آوران شهید خود به سوگ نشینند؛ در حالیکه رژیم سرمایه‌داری ایران دیگر باره به بهانه‌ی مبارزه‌ی ضد امپریالیستی! نخستین هدف عاجل خود را برچیدن شوراهای کارگری، دهقانی و پرسنل انقلابی، اخراج عناصر انقلابی و مترقی از ادارات، واحدهای آموزشی، کارخانه‌ها و ارتش، سرکشی هر کوبه تظاهرات و محسن حق طلبانه‌ی کارگران و مردم زحمتکش قرار داده است؛ باری در چنین شرایطی رژیم بموارات عفو عمومی اعضا، جنایتکار ساواک (البته منظور برقراری امنیت!)، فراهم آوردن مقدمات لنگرکشی مجدد به کردستان و... تدارک توطئه‌ی شوم دیگری را می‌بیند. چندی پیش ننی صدر در خلال رویدادهای خوبار گنبد اعلام داشت که بران نتج

گروههای مسلح و انقلابی خانه به خانه خواهند جنگید؛ اندکی بعد در حران یورش جدید ارتش به کردستان بنی صدر بار دیگر و اینبار به فاشیستی ترین لحن ممکن به تکرار همین ترجیع بند ارتجاعی پرداخت. در این میان اپورتونیست‌های جنبش چپ نیز به عوض دفاع از حق تسلیح مردم و مقابله با توطئه‌های ضد انقلابی هیئت حاکمه، با در پیش گرفتن سیاست رسوای یکی به نفع، یکی به میخ عملا به رای گیری از مردم در باب خلع سلاح گروههای مسلح تن در دادند.

روشن است که نظام بحران زده و ورشکسته‌ی کنونی خلع سلاح و سرکوب مردم و نیروهای انقلابی را یکی از راههای موثر تثبیت پایه‌های حاکمیت لرزان و بی ثبات خویش می‌داند؛ از این رو با تمام نیرو و توان خویش می‌کوشد تا از گسترش امواج کوبنده‌ی جنبش رو به اعتلا توده‌ها جلوگیری کند. وای درحالی اسب‌کشی بکمال تذنته تا انداره‌ی زیادی بوهم مردم نسبت به حفاظت و کار آتی حاکمان جدید از میان رفته است. تضادهای درونی هیئت حاکمه نیز به گسترش آگاهی انقلابی در میان مردم زحمتکش دامن زده است. اکنون پس از گذشت بیش از یکسال از قیام بهمن، دست آورد های صام در معرض خطر جدی قرار گرفته است. در شرایطی که گرانی ارزاق عمومی، تورم مزاینده، بیکاری رو به گسترش، کمبود مسکن و... بیداد میکند، هیئت حاکمه در پوشش مبارزه‌ی ضد امریکائی و با بهره گرفتن از احساسات ضد امپریالیستی مردم، از سوئی از حمله‌ی نظامی امپریالیسم جنایتکار امریکائی دم می‌زند و از سوی دیگر عزم جزم خود را برای خلع سلاح و سرکوبی نیروهای انقلابی اعلام می‌کند. اما مردمی که به نیروی سلاح خود ارتش امریکایی و

نا بدندان مسلح شاه خائن و فراری را در ۲۲ بهمن برانو در آورند ننگ آگاهند که یگانه راه حفظ و گسترش دست‌آوردهای قیام بهمن ماه ایجاد شوراهای مسلح کارگران، دهقانان زحمتکش شهر و پرسنل انقلابی ارتش است. از سوی دیگر رژیم سرمایه‌داری حاکم نیز بخوبی می‌داند که مادام که خلفای قهرمان ما مسلح باشند و مسلحانه از حقوق مسلم خویش دفاع کنند، نصیبت حاکمیت بحران زده‌ی کثیف خواب و خیالی بیش نخواهد بود. بهمین دلیل هیئت حاکمه مبارزه‌ی ضد امپریالیستی را بدون مبارزه با پایه‌های داخلی آن یعنی سرمایه‌داری، پیکار نظامی با نهادهای احتمالی امپریالیسم را بدون تسلیح وسیع‌تری توده‌های مردم و مبارزه علیه سرمایه‌داری را بدون تشکیل شوراهای واقعی کارگری و... می‌خواهد. اما از سوی دیگر خلفای ستم‌دیده و دلاور کردستان، آذربایجان، خوزستان و ترکمن صحرا... نیز برای دفاع از حق تعیین سرنوشت خویش به حفظ سلاح‌های خود نیاز دارند، کارگران و زحمتکشان شهری برای دفاع از حقوق پایمال شده‌ی خویش و سرکوب ساختن حاکمیت سرمایه‌داری از سلاح‌های خود دست نخواهند کشید، مادامیکه فرماندهان جلاد ارتش "جمهوری اسلامی" شادمهرها، فلاحی‌ها، ظهیرزاده‌ها و... در رأس ارتش هستند، پرسنل انقلابی ارتش نیز سلاح‌های را که در اختیار دارند دست نخواهد داد و سرانجام کمونیستها و انقلابیون واقعی به تنها تحت هیچ بهانه‌ای سلاح‌های خویش را تحویل نخواهند داد؛ دیکتاتور به سنگر علیه دسیسه‌پردازان عوام فریبانه‌ی رژیم ایستادگی خواهند کرد. هم از این روست که اکنون شاهد تکوین توطئه‌ی شوم دیگری از سوی حاکمان جدید هستیم.

طبق یک سد "خیلی محرمانه"، در اجرای برنامه‌ی بنی‌صدر در اثر خلع سلاح عمومی، سه شبهه‌ی هفته‌ی گذشته ۱۲ فروردین ملاقاتی میان میرسلیم رئیس شهر با ننی

چگونه دیکتاتوری روحانیت در قلمرو صنایع اعمال میشود سندی دیگر در افشای رژیم

صنایع الکترونیک ایران

مکاتبه داخلی

شماره ۳

موضوع - شرح زیر

تاریخ -

خانم
آقای

مهرمان: مستقیم

برطبق اطلاعات واصله جنابعالی متدین
بیکی از ادیان راس نیستید و برابری با هیچ قانونی
منع استخدام کسانیکه متدین بیکی از ادیان اسلام، زرتشتی
و کلیسی، مسیحی، نیستند اشتغال آنها در وزارتخانه
و سازمانهای دولتی غیر مجاز میباشد. لذا خواهشمند
است صراحتاً و بطور محرمانه تا تاریخ ۱۳۰۲/۰۲/۲۶
خود را اعلام نمائید و چنانچه مراتب بالا صحت داشته باشد
میتوانید حداکثر تا یکماه بعد از انقضای تاریخ بالا
قبول دین اسلام و ارائه مدرک کتبی از یکی از مراجع تقلید منسی
بر تیری از عقاید قبلی و تأشرف بدین مین اسلام و درج مراتب
در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار بخدمت در شرکت ادامه دهید
در غیر اینصورت طبق بخشنامه صریح وزارت دفاع طی شماره ۱۳ -
۶/۴۰۲/۰۲/۹۳ مورخ ۵۸/۲/۲۶ پس از انقضای مهلت داده،
شده بخدمت شما خاتمه داده میشود. ج/م

مدیر بخش پرسنل
مرتضی باوندی

شرم آور است و شاید در جهان
بی نظیر باشد که شرط کار کردن،
مذهبی بودن باشد و شرم آورتر اینکه
رژیم ورشکستهای بکوشد معتقدین به
مذاهب غیر رسمی، و لامذهبها را
بضرب تهدید به اخراج به "دین مبین
اسلام" (و تازه نه هر دین رسمی
دیگری) در آورد. کسانیکه بایسن
ترتیب "مسلمان" میشوند نایسن، بی
همین فقها و همین آخوندها هستند.
استکار ماوراء فاشیسم و فالانژیسیم
است.

باشد که این امر برای کسانیکه هنوز
دچار توهم هستند عبرت آمیز باشد -

در گذشته شنیده بودیم که معیار
استخدام و ابقاء شغلی در کادر
"شروهای مسلح ارتش جمهوری اسلامی"
اعتقاد به اسلام و موازین شرع اسلام
است و غیر مذهبی ها و پر واضح
لامذهب ها را باین مناصب راهی نیست.
لیکن طبق آخرین اطلاعات واصله،
دیکتاتوری و اعمال رور روحانیت
نه تنها به قلمرو صنعت و اقتصاد
کشیده شده، بلکه ضابطی تفصیلی و
اخراج و با ابقاء شغلی نیز "قبول
دین اسلام"، "تیری از عقاید قبلی"
و انتشار این مطلب "در یکی از
روزنامه های کثیرالانتشار"، تعیین
شده است.

نماینده ی وزارت کشور، یک سرهنگ ارتشی
نماینده ی ژاندارمری و نماینده ی سپاه
باسداران در تبریز انجام شده که طی آن
تصمیم گرفته شده که کار خلع سلاح بندگان از
شهر تبریز و به بهانه ی خلع سلاح و برچیدن
بقایای کمیته های شریعت مداری و ایجاد
بکرشته در گریه های مصنوعی در سطح شهر
صورت پذیرد. مقدمات این توطئه ی ضد
انقلابی طی نامه هایی به شمسارهی
۴۳/۱۵/۴۳ مورخه ۵۸/۲/۲۷ و شماره ی
پیرو ۴۳/۱۵/۱۷۱۴ مورخه ۵۸/۱۲/۲۹
(متعلق به نیب ۳۵ ردیف ۵۹۹) که در
آن معاون شهرانی تبریز با قید فوریت
تمام خواستار سهمیه اسلحه و وسایل
و ابزار کنترل و دفع اغتشاشات شده
است، فراهم گردیده است.

بکته جالب اینکه ارتجاع حاکم این بار
هم بر آن است تا طرح خلع سلاح نیروهای
انقلابی را ابتدا در شهر تبریز -
شهری که هفتاد سال پیش در صدر مشروطه
شاهد خلع سلاح دلاورانی چون سنارخان و
باقر خان بوده است - به مرحله اجرا
در آورد. متن این نامه و مذاکراتی
که طی این دیدار صورت گرفته گواه این
واقعیت میباشد که ارتجاع از دست زدن
به هیچ حنایتی روی گردان نیست.
احاد در گریه های مصنوعی بی تردید
قربانیان بسیاری برجای خواهد گذاشت
اما سرمایه داری حاکم که در جنگ علیه
زحمتکشان بهره گیری از هر وسیله ای را
مجاز می شمارد، بی گمان این بار نیز
در کشتار مردم لحظه ای تردید به خود
راه نخواهد داد. سرکوب خلقهای
زحمتکش و تحت ستم کردستان، گنبد،
نقده، بندر انزلی، تبریز،
اندیشک، درود، کشتار بیکاران،
توقیف روزنامه ها و مطبوعات مترقی و
انقلابی و... در همین یکسال گذشته
گواه روشنی بر این مدعا است.

در این میان علیرغم سیاستهای
سازشکارانه، اپورتونیسیم حاکم بر بخش
بزرگی از جنبش کمونیستی، کمونیستها
و انقلابیون واقعی نباید اجازه دهند
که دیگر بار زحمتکشان ایران مورد
هجوم جنایتکارانه ارتجاع واقع شوند.
ما در مورد این توطئه شوم و ضد-
انقلابی به مردم آذربایجان و تمام
نیروهای انقلابی و ترقی خواه هشدار
می دهیم!

راه رشد غیر سرمایه داری (۲)

هوسنگ محبی

دهلیزی بسوی کشتارگاه

به اخلاقیات نعدالی منصفانه در ثروت گروههای مختلف جامعه ایجاد کرد، در آن صورت جامعه بطرف مدینه فاضله سوق داده خواهد شد. سوسیالیسم ایان در حد مساوات خواهی باقی مانده و خواست بقسمت سازی فروتنی را طرح میکند. روشنفکران پیسرفته نر این تفکر که تجربیات تاریخی، غیر علمی بودن مساوات طلبی را به آنان آموخته، اشکال حول بافته تری از این نوع "سوسیالیسم" را عرضه میدارند. اشکالی که در آن "تأمین حداقل رفاه اجتماعی برای اکثریت جامعه" خواست واقع بینانه تری است که در عین حال حدود و شعور ایده آل های خرده بورژوازی را در چهارچوب امکانات جامعه سرمایه داری جای میدهد، زیرا که حصول "جامعهرفاهی" در چهارچوب حفظ مالکیتی خصوصی و روابط سرمایه داری مینواند متصور باشد. پیشنهاها چینی جامعه ای نه در کشورهای عقب افتاده که دوران انباشت اولیه سرمایه را هنوز طی نکرده و از درجه سازل بارآوری کسار برخوردارند، بلکه در برخی از کشورهای امپریالیستی که انباشت سرمایه سرمایه و بارآوری کار بسیار بالا بوده و از موقعیت نزاری و بارارهای مناسبی برخوردار باشد، مانند سوئد. میتوان وجود داشته باشد. "جامعهرفاهی" دیای سوم، مینوا استثنائا "در کشورهای که با خرج - و سرمایه گذاری - ثروت طبیعی هتکعت خود نوعی رفاه و رونق اجتماعی - و نه مساوات - را آنهم برای حتماً برای وجود آورده اند و وجود داشته باشند. اما "جامعهرفاهی" معادل سوسیالیسم مفهوم علمی کلمه نیست. برآمدهای اجتماعی در جهت رفاه عمومی و کربایش بسوی ایجاد امکانات اجتماعی یکسان برای افراد جامعه از ملرومات جامعه سوسیالیستی است ولی بخودی خود معرور و متخمس آن نیست. چنین برنامه ای بعنوان کامی ضروری، ولی نه کافی، جهت زوال طبقات مطرح است و نه پیشتر. در "جامعهرفاهی" واقعیت وجود طبقات فیول شده و هدف، تخفیف بصادققاتی از طریق تعدیل ثروتهاست. در جامعه سوسیالیستی هدف اجتماعی کردن مالکیت ابزار تولید و شرکت مستقیم تولید کنندگان در اداره اقتصادی و سیاسی جامعه جهت نابودی طبقات است، و از همین رو نیز مجبور است بالهای را مراتر از مرزهای یکشاید. درکی که خرده بورژوازی از جامعه مطلوب خود دارد نه فقط از سوسیالیسم علمی بدور است بلکه با آن در تناقض نیز میباشد. یکی با حفظ طبقات بضر فاسد و اخلاق نساوی طلبی میکند و دیگری الفاء مالکیت خصوصی و العاء طبقات را مبطلد و نساوی امکانات اجتماعی برای گروههای مختلف را در چنین دورنمایی جستجو میکند.

تفاوت ما بین سوسیالیسم خرده بورژوائی و سوسیالیسم علمی شناخته شده تر از آن است که البانیسکی

البانیسکی بکرات به اینکدر "راه رشد غیر سرمایه داری"، رهبری خرده بورژوازی آگاهانه جهت زمینه سازی برای سوسیالیسم کام بر میدارد، اشاره میکند. آگاهی این رهبری و بسمول البانیسکی "وفا داری کادرهای رهبری کننده و تمام کادرهای دیگر به آرمان سوسیالیسم" (۱۷) یکی از مهمترین شروط موفقیت "راه رشد غیر سرمایه داری" است. اما برای رهبری جامعه بسوی هدفی معین، باید از آن هدف بصوری کلی تا آن حد که امکان مشخص نمودن محورهای اساسی آن وجود دارد، مصورسد. در بحث قبلی گفتیم که افشاری از خرده بورژوازی بصورائی آرآئیده مطلوب دارند. از طرف دیگر بعلل مختلف تاریخی و فرهنگی - و نه لزوماً - ساختار عوامفریبی - بسیاری از جریانات سوسیالیستی خرده بورژوا، جامعه مطلوب خود را با واژه "سوسیالیسم" مشخص میکنند. در ادامه بحث قبلی، لازم است بانه سوسیالیسم بصوری خرده بورژوازی بپردازیم.

وجود انواع مختلف سوسیالیسم تخیلی مسئله جدیدی نیست که ناشناخته باشد. سالها قبل از مارکس، در آلمان سرمایه داری انگلستان و فرانسه سوسیالیسم تخیلی اوان، فوریه و سن سیمون طرح شده و کمال بشریت در آن جستجو میشد. یکی از کوششهای اساسی و موفق پیوندکان راه سوسیالیسم علمی در دوفرن اخبر روشن ساختن خطوط تمام زمایی انواع سوسیالیسم تخیلی از یک طرف و سوسیالیسم علمی از طرف دیگر، و نشان دادن تفاوتهای کیفی و ماهوی آنان بایکدیگر بود. از جمله آناری که این هدف را دنبال مینمود رساله معروف انگلس، "از سوسیالیسم تخیلی تا سوسیالیسم علمی" را باید نام برد. اما نه این نمایز و نه انقلاب سوسیالیستی اکبر ۱۹۱۷ همک نقطه پایانی بر حیات، برور و تجدید بولسید ثورسهای گوناگون سوسیالیسم تخیلی نکذارد. و این طبیعی است زیرا که زمینه های مادی و فرهنگی ثورسهای هنوز به موجب خود ادامه میدهند. استوروش است که هزاران معدائیکه در مایرینس علمی از بیدار کرائی به کارش در آمده، و هم - چنین واقعیت انقلاب سوسیالیستی ۱۹۱۷ و تحریکات انقلابی فرن احبر، همه و همه در محتوا و شکل ثورسهای بیدار کرائانه سوسیالیستی بقی مؤ - نزد اسد است. و از اینرو آنچه که امروز از این مقلدها بمانسود، لروما "مطلق بابیان مورد وس سمنون و احیی سوسال رولوسورسهای سالهای ۱۹۰۰ نیست و از جنبه های ظاهری علمی و واقع بینانه دارد.

مفکران انواع سوسیالیسم تخیلی عموماً "ریشه ناسامایی اجتماعی را در سوبه توزیع ثروت در جامعه جستجو میکنند و به دربر و سه بولسید. در بینش اینان اگر بینسوان توزیع ثروت را عادلانه نمود و با وضع قوانین مختلف و رجوع

نیوانده رد آنگار آن سیر دارد و به همین دلیل سیر دست به دامان مهم کوئی بر سر میبود:

"نماینده گان با سوسالینسم رادیکال به نحوی بیروان، بطرف برخی احکام عمده سوسالینسم علمی روی میاورید. برای با سوسالینسهای رادیکال در این احکام عمده سوسالینسم منظور بنظم بلاغی سیاسی خود مناسی اندولولوژیک مناسب اندک نیست. ولی رمنه خرده سوزوآتی و با سوسالینسمی صورت آنها برای مدنی مانعی برای درک پیکیر و جامع سئور سوسالینسم علمی است. طیفه ای که آماده است به پیرپیس وجه، بلحاظ ماهیت انحصادی خود بیگانه گریس سوسالینسم علمی دست نرید، بیرونی را با سوز و در درجه اول بیرونی را با صنعتی، آنچه که برای نمایندگان فسرهای بینا سینی دموکراسیک در رمنه بر خورده سوسالینسم علمی نمونه و آراست، عبارت است از یک بر خور دالینفا طی و شوه کلچیس. با این جهت خرده سوزواری رادیکال می تواند به سوسالینسم روی آورد. ولی با اینکه وضع انقلابی او را بطرف سوسالینسم میراند، نمیتواند در آن خرس تحلیل نمک با نگاه به اندازه کافی مطمئن منظور ساختمان مکامل سوسالینسم و با من پیروری آن مدل شود" (۱۱) در بر خورده اول ممکن است در سالیات فوق مطلب حیدان نادرسی بطر برسد. اما اگر کمی دقیق سویم کوشش نویسنده را

به سقوط آرا دجسم در خلا، احکامی سعی اند که به سجد مطلق احکام اصلی فوق الذکر می باشد. اما قابل حدن سو خود در سب ثابت اعطاک این بنده دوجسم حیدر یعنی ندا سوز در عین حال خودی خود مشخص کننده مکانیک سوسالینسمی است. می توان بنده اصطکاک را بدون اسفاده از ضرب با اصطکاک بوضوح داد و با اینکه چهار جوت بنوریک این مکانیک نمی کسردد. اما نمی یک با نحی ارا احکام اصلی سوسالینسم بنوریک مکانیک سوسالینسمی کل این بنوری می باشد. در سالیات بنوریکه فلا کفیم، مجموعه چهار اصل فوق است که چهار جوت بنوریک این مکانیک را میسار و عدم قبول یک با نحی آرتیا، سوسالینسمی با حق ولی سینه مکانیک سوسالینسمی را بیان میکند، بلکه سیمی کفیمیا "و ما هیا" معا و با آرا مشخص میکند، حتی اگر با اسم حسن سیمی را با خاطر سالیات ظاهری و به ما هوی بار "مکانیک سوسالینسمی" یک داریم. این مطلب در باره بنوری علمی سوسالینسم بر مدنی میکند. روس است که ما بنسوزی سوسالینسم علمی را با بنوری مکانیک سوسالینسمی فقط با آنجا که هر دو سیستم های بنوریک می باشد کدا روابط اصلی و حیدان خود مشخص شده اند، قیاس می کنیم و به سیر در همین حدن با توجه به آنکه ذکر کرد، روس می تواند قبول "برخی ارا احکام عمده" سوسالینسم علمی، قبول سیمی ما هیا "معا و با

"قبول" برخی ارا احکام عمده ی سوسالینسم علمی، قبول سیستمی ما هیتا "معا و با سوسالینسم علمی است. احکام سوسالینسم علمی چند مجموعه قابل تقسیم نیستند که با قبول در مدنی از آنان، بهمان نسبت نیز بنوری علمی سوسالینسم را قبول نموده باشیم.

برای محدود نمودن مفاهیم جهت نتیجه گیری های دلخواه بعدی در عین حفظ ظاهری علمی ما هیده خواهیم کرد. مفهوم "روی آوردن بطرف برخی ارا احکام سوسالینسم علمی" چه می تواند باشد؟ آیا منظور قبول "حسی" از بنوری سوسالینسم علمی است؟ می دانیم که در سیستمی را به سیستم انحصادی وجه عریان با مجموعه ای از روابط مشخص می کند. در این میان برخی روابط، محورهای عمده و اصلی این سیستم می باشد و برخی از آنها حیدر یعنی دارند، یعنی منبع از روابط اصلی هستند و با لاخره برخی روابط بر حیدر سالی داسه مدنی مفهوم که به سجد احکام اصلی بوده و نه خودی خود مشخص کننده سیستم مورد نظر می باشد و از آنرو می توانند در سیستم های دیگری نیز یافت شوند. اما نکته مهم اینست که احکام و روابط اصلی یعنی یک مجموعه درهم تنیده، تعیین کننده و مشخص کننده سیستم مورد نظر هستند و نه تک تک، هر یک از این احکام در رابطه با بقیه مجموعه دارای مفهوم و عملکرد هستند و بالعکس. می توان مثال زما سیکه صحبت از سیستم مکانیک نیوتن می کنیم، چهار اصل اساسی آن (اصل سکون - اصل تناسب نیرو و شتاب - اصل عمل و عکس العمل و اصل نیروی جاذبه بین دو جسم) مجموعه ای مشخص کننده بنوری مکانیک نیوتن می باشد. احکام مربوط

سوسالینسم علمی است. احکام سوسالینسم علمی حیدر مجموعه قابل تقسیم نیستند که با قبول در مدنی از آنان، بهمان نسبت بنوری علمی سوسالینسم را قبول نموده باشیم. اینکه قبول الیاسکی، با سوسالینسهای رادیکال در همان احکام عمده سوسالینسم رمنه های اندولولوژیک مناسبی را می باشد و با قبول برخی ارا احکام عمده سوسالینسم ارا طرف نمایندگان فکری خرده سوزواری، سوسالینسم خرده سوزوآتی و حیدری را به بنوری سوسالینسم علمی نزدیک میسار د. لازم است مجموعه احکام سوسالینسم علمی و خصوصاً لروم دیکان بنوری بیرونی را با الباء مالکیت خصوصی و کسیرل مسقیم بولند کنندگان بنولند اجتماعی، مورد قبول واقع شود. الیاسکی بر خورده "محدود" بنوه کلچیس و التفا طی "بنوری علمی سوسالینسم را، دلیل روی آوردن به سوسالینسم میسار د! بلی نمونه حیدر سوسالینسمی را نیز امروز فراوان می توان دید، مثلاً "در سالیات الیاسکی مکانیک آموزش و قبول سوسالینسم علمی را از طرف یک فرد، یک عصر، به نادرستی به یک فسر اجتماعی سجد میدهد و با آگاهی - یا سالیادعوا مغربی - خود را از اساطیر بین سوز آگاهی فردی با سوز و آگاهی یک فسر با یک طیفه اجتماعی سینه سالیات میسار د. ممکن است که یک فرد - یک روشنفکر - از

با خورده بورژوازیست که در همکاری و ائتلاف با بخشهای "سالم" و "ملی" (۱) بورژوازی و همچنین صاحب همکاری زمینکشان شهر و روسا، موجبات "رشد اقتصادی و فرهنگی" را به کمک سیستم جهانی سوسیالیستی، فراهم میآورد. این رهبری دارای این رسالت است که از یکجا با امکانات فعالیت و رشد سرمایه داری را فراهم آورد، ولی ارجانب دیگر سرمایه داری را آنچنان تحت کنترل فرار دهد که عرصه قدرت و تسلط در سطح جامعه نسبت به شکل نفوذ زمینکشان و بخصوص طبقه کارگر در اداره امور جامعه روبرو شود و بدین ترتیب زمینه های گذار به سوسیالیسم آماده شود.

درباره ماهیت حکومت و دورنمای آن، علاوه بر نقل قولهاییکه در بخشهای قبل به آنها اشاره کردیم و حاکی از نفوذ خورده بورژوازیست، نقل قول زیر نیز از این نظریه پردازان است: "راه رشد غیر سرمایه داری بر ائتلاف وسیعی از نیروهای طبقاتی تکیه میکند که خواستار تکامل مستقل و علامتدیده نواری ملی صاحب اقتصاد و نفوذ مبارزه علیه امپریالیسم هستند. این مبارزه به تحولات دیکراتیک عمومی و ضد امپریالیسمی که در آن تمام نیروهای سالم کشورهای نواستقلال (که سرنوشت خوش را با سرنوشت امپریالیسم توأم ساخته اند، و در میان آنها نمایندگان سرمایه داران ملی نیز وجود دارند) مربوط است." (۳) (تأکید از ماست)

و همچنین:

"... یک خصیصه چشمگیر و در واقع یک دستاورد تاریخی... راه رشد غیر سرمایه داری عبارت از آنست که در این ائتلاف پروولتاریا رسد یا بنده، فشرهای خورده بورژوازی شهر و روسا، عناصر ضد امپریالیست بورژوازی ملی، [انحصار حاکمیت سیاسی از عناصر بورژوازی ملی گرفته شده است و بدینوسیله این امکان حاصل میشود که کمی دیرتر همزمان با نفوذ رسد یا بنده و فعالیت روز افزون زمینکشان، و در درجه اول طبقه کارگر آفرین محدود کرد." (۴) (تأکید از ماست)

امادر باره اسراژی راه رشد غیر سرمایه داری: "خطوط اسراژی راه رشد غیر سرمایه داری عبارت از آنست که ارتقاء سطح اقتصادی و فرهنگی کشور در آخرین تحلیل در استحکام وضع اقتصادی و سیاسی نیروهای استثمارگر مبنی باشد و اینکه بورژوازی ملی و با عناصر ناسیونال بورژوا به طبقه حاکم تبدیل نکردند." (۵) (تأکید از ماست)

و، ".... وظیفه آنست که در عین استفاده از تمام امکاناتی که بخش خصوصی برای رشد اقتصادی بالقوه در اختیار دارد، برای ایجاد آنچنان ساختار سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کوشش شود که از استحاله بورژوازی بیک نیروی حاکمه اجتماعی جلوگیری بعمل آید." (۶) (تأکید از ماست)

و بالاخره درباره ی لروم رشد و در عین حال کنترل سرمایه داری:

"... امکانات مادی و سازمانی برای اجراء تحول اقتصادی بسیار محدود است و این امر اجازه نمیدهد که قدرت و تجربه ی بخش خصوصی نادیده گرفته شود. لذا

خاواده ای بورژوا و یا خورده بورژوا ابتدا به سوسیالیسم تخیلی روی آورد و سپس در اثر آموزش و تحریک پیرو سوسیالیسم علمی شود. محتملاً بسیاری از عناصر خورده بورژوا که به جبهه کارگری می پیوندند چنین روندی را طی کرده اند. اما یک قشر اجتماعی بر خلاف یک فرد عضو آن سر - بنیواند شعورش را از محدوده تعیین شده بوسیله موقعیتش در تولید اجتماعی فراتر ببرد، به همین دلیل نیز نمی تواند از منته شعورش را از سوسیالیسم تخیلی به سوسیالیسم علمی برساند زیرا که این چنین گذاری نه یک تحول، که یک جهش در شعور و آگاهی است، جهشی که فقط در بدو قدرت یک طبقه و فقط یک طبقه اجتماعی - طبقه کارگر - می تواند.

بدین ترتیب آنچه را که رهبری خورده بورژوازی "راه رشد غیر سرمایه داری" آگاهانه در جهتش کام بر میدارد، سوسیالیسم تخیلی است. اما این تخیل، این پندار زیبا، در برخورد با واقعیات بی احساس زمینی، محقق نمیشود - نمی تواند محقق شود - مبنی که سد و به اجزاء خود منجر به میکردد. و آن جزئی از اجزایال میکس تراند که دامن تغذیه و رشدش فراهم نیاشد، با تسکین صورت خورده بورژوازی در مورد تخفیف صدا طبقانی، مقابل - دو طبقه اصلی جامعه، بورژوازی و کارگران - عیان تر شده و تعامل آن آسکارتر می گردد. سوال اساسی که برای کمونیستها باید مطرح باشد اینست که "راه رشد غیر سرمایه داری" و سیاستها مورد توصیه آقای الیانسکی، در نقطه تعامل غیر قابل اجتناب این دو طبقه محاصرمیشود کدامیک خواهد چربید؟ به نظر ما بسود بورژوازی.

راه رشد غیر سرمایه داری: دهلیزی بسوی کشتارگاه

در بخشهای پیشین توجه خود را به مشخصات خورده بورژوازی معطوف کردیم و کوشیدیم تا محدودیتهای تاریخی - طبقاتی اش را مختلف آنرا در ارتباط با زمینه سازی و حرکت بسوی سوسیالیسم - مفهوم علمی آن - مذکور دهیم. در این بخش مقاله سعی میکنیم که "راه رشد غیر سرمایه داری" را بطور مشخص مورد بررسی قرار دهیم. عبارت دیگر سناریوئی که الیانسکی از چنین راهی ترسیم میکند را در نظر گرفته و با توجه به آنچه که قبلاً در مورد خورده بورژوازی ذکر کردیم، محتمل تر آنرا انجام این راه را بسنجیم. به نظر ما این بررسی از دو جنبه سرمایه داری اهمیت است. اول اینکه این امکان را میدهد که مقدمه از رهبری در حد اعلام محدودیت های تاریخی - طبقاتی آن باقی نماند و انعکاس این محدودیت ها و تناقضات زاده ی آنرا در اعمال رهبری سیاسی بطور مشخص در یابیم. دوم - و این جنبه مهمتر است - مربوط به اینست که الیانسکی کمونیستهای کشورهای مورد بحث را موظف به تأیید و تقویت "راه رشد غیر سرمایه داری" میکند و از آنها انتظار دارد تا مبنی و سیاست خود را از ملرومات طبعی چنین راهی استنتاج نمایند. از دیدگاه او، این - راه سریعترین و مطمئنترین طریق گذار به سوسیالیسم است. ما میخواهیم بدانیم که آیا واقعاً چنین است؟ چنین سیاسی کمونیستها را به کجای خواهد ساخت و چه نتایجی برای جبهه کارگری بار خواهد آورد؟

سناریوئی که الیانسکی از این راه عرضه میدارد را کلاً میتوان بصورت زیر خلاصه نمود: تفوق سیاسی در رهبری جامعه

مواقع از دست رفته را دوباره به حک آور ند، بلکه سرف
امراض حتمان سوسالیم را سریع ساسد. اما در راه رشد
غیر سرمایه داری" قدرت حاکمه اشلافی است از اسار و طبقا
محلف، تحت رهبری خرده بورژوازی نسبت توان طبقاتی
کارگران و بورژوازی سر از زبان خود البانفسکی بفرار
زیر است:

"[اسار بورژوازی ملی] از نظر سیاسی، ایدئو-
لوژیک، سازمانی و اقتصادی از فترهای دیگر جای
زندگی سیاسی فعال و شرکت در حاکمیت سیاسی آماده
سرد. بعکس طیفی زحمتکش عالما تشکل ضعیفی
دارد و تحریکات سیاسی آن ناکافی و نارس است
و در بسیاری از کشورها فایده سازمان طبقاتی
سیاسی خود است" (۸) (تاکید از ماست)

در عین حال بنظر البانفسکی، این خرده بورژوازیست که
بخاطر نقش رهبری کننده اس در قدرت حاکم و طبعی اصلی
رشد و استحکام و در عین حال مهار کردن سرمایه داری رادر
دست دارد. بعبارت دیگر البانفسکی امیدوار است که
خرده بورژوازی در این کشورها بتواند همان نقش رهبری
کننده شی را در ارتباط با رشد و کنترل سرمایه داری بازی
کند، که دیکناتوری پرولتاریا در تراسط شوروی ۱۹۲۱ بازی
مینمود! اگر چه البانفسکی خود را به زلزلات خورده-

حا دارد که از بحث خصوصی، اگر چه در چهار چوب محدود
و معین، استفاده گردد و کوشش شود که برنامه و
فعالیت آن تحت نظارت قرار گیرد. این مسئله یکی
ضرورت اقتصادی است و به احتمال قوی این ضرورت
استمادی برای مدت طولانی وجود خواهد داشت و این امر
باید سناچار به آنجا منتهی شود که سرمایه خصوصی
نه فقط حفظ گردد، بلکه تا حد معینی گسترش یابد و
استحکام یابد. رشد بحداکثر سریع اقتصادی که مورد
نظر است اس اقدام را ضروری می شمارد. ولی س-
سوی دورمای سوسالیستی از سیاست (یعنی از روبنا)
دولتی سیاسی آن در سطحی مقابل آنرا می طلبد،
بدین معنی که مایل است وضع سیاسی رحمتکنان بحکیم
باید و از نفوذ عناصر بورژوا کاسته شود و عناصر و
مفاهیم سوسالیستی در همه عرصه های زندگی با پیگیری
بیشتری رخنه کند. (۷) (تاکید از ماست)

نعل فولهای فوق، علیرغم ناروشنی ها و ابهام هائی که در
خود دارند، خطوط اساسی سناریوی "راه رشد غیر سرمایه داری"
را معین می سابد. البانفسکی وظایف فوق را با وظایف
برنامه ی ب (N.E.P) مفا سه میکند. اما در این فیا س و در
توضیح تفاوت بین راه و برنامه ی ب در سطح یافی می ساند
و بسیاری از نکات مهم را از قلم می اندارد. چینی

هشدارهای لنین و اصرار وی در آگاه نمودن طبقه ی کارگر و اعضای حزب به ماهیت
برنامه های بپ نیز از این هراس سرچشمه میگرفت که چنین برنامه های در صورت عدم
هوشیاری رهبری، و در صورت عدم ناشناخته ماندن میتوانند موجب پروژا انحرافات
عمده ای در امر ساختمان سوسالیسم گشته و دیکناتوری طبقه را شدیداً تضعیف نساید.

بورژوازی واقفشان میدهد و آنها را تذکر میدهد، اما
رمانیکه این خرده بورژوازی را در مستند رهبری می ساند،
گویا تمامی خطتهائ آن نغیر میکند، زلزلس فراموس مکررد
، محدودیتهای تاریخی - طبقاتی اش محو میگردد و به آنجنه
بیش و نقش اجتماعی دست می یابد، که در واقع چیزی
از رهبری یخته یک حزب کمونیست کم ندارد. فراموش نکنم
که در کنگره ی دهم حزب کمونیست شوروی، زمانیکه برنامه ی
بپ طرح شد، بخشی از اعضای کمیته ی مرکزی و شرکت کنندگان
در کنگره به مخالفت با آن پرداختند. مخالفین نسب
معتقد بودند که اجرای وظیفه ی پرتنامش رشد و در عین
حال کنترل سرمایه داری عملا به تثبیت سرمایه داری و تضعیف
دیکناتوری پرولتاریا می انجامد. برخی از متخمن تاش
شوروی نیز معتقدند که اجرای برنامه ی بپ، لااقل نسما،
در انحرافات که بعدا در شوروی بوفوع پیوست نقسش
داشته است. در همان زمان، اکثریت کمیته ی مرکزی و
لسین، با وجودیکه با طرح بپ موافق بودند، پیچیدگی
وظیفه ی دوگانه ایکه اجرای این برنامه در مقابل
دیکناتوری پرولتاریا قرار میداد، را باز می سنا خند و خطرات
آنرا گوشزد میکردند. هشدارهای لنین و اصرار وی در آگاه

قباسی را اگر تا نتایج مطلق خود دنبال کنیم، می توانند
سیار سودمند ساند.

"راه رشد غیر سرمایه داری" و بپ:

بپ در شرایط
وجود دیکناتوری پرولتاریا و بعنوان بخشی از برنامه های
اقتصادی دولت کارگری طرح گردید. قدرت سیاسی در کنگره ی
دهم حزب کمونیست در شوروی (سال ۱۹۲۱)، زمان طرح نسب،
در دست طبقه ی کارگر و حزب کمونیست بود. این قدرت در
جریان پیروزی در جنگهای داخلی خود را تثبیت کرده بود
و ارکانها و نهادهای دولتی در دست بلشویکها متمرکز شده
بود. نکته ی دیگر و بسیار مهم اینکه بپ، در مقابله با
اوضاع نابسا مان اقتصادی سال ۱۹۲۰ و بخصوص قحطی، بعنوان
نوعی عقب نشینی موقت، ولی ضروری، در مقابل سرمایه داری
مطرح شد. بلشویکها و بخصوص لنین، اولاً بروشی بایسن
عقب نشینی اعتراف می نمودند و در عین حال لزوم آنرا تذکر
میدادند، و امید داشتند که انحصار قدرت دولتی و سیاسی
در دست طبقه ی کارگر، امکان کنترل کامل این عقب
نشینی تاکتیکی و موقتی را داده و پس از بهبود وضع
اقتصادی و رفع قحطی، بتوانند با پیروی منظم، نه فقط

نقش نیروهای انقلابی و چپ

در این میان نقش عناصر و نیروهای مرفعی از همبسته حساس تر است. باید توجه های امپریالیسم آمریکا، رژیم ارتجاعی عراق، نمایندگان یزرک و کوچک سرمایه داری ایران و سایر نیروهای ارجاعی بوضوح و به تفصیل برای مردم افشاء شود. بیانه های شعاری حالی از محتوا، برای اثبات "مپن برستی" - کما اسک در این

امر تکی بود- تنها مینواند علیرغم خواست یوسندگان آن، آتیه آسیب سوخته ریخته و مردم را بفریبند. جنبش چپ اگر همدی نوطه گران و همدی عناصر نوطه را افشاء نکند در سرکوب خود ذبسم خواهد بود. بیاد آوریم که همدی نوطه گران در درجه ی اول، در اسناد و در بهایت، دشمنان اصلی خود را بدرستی نیروهای مرفعی و انقلابی میدانند. بیاد آوریم که اینها علیرغم جدالهایشان بر سر قدرت در یک چیز اساسی مشترکند و آن دشمنی با سوسیالیسم، دشمنی با کمونیسم، دشمنی با آزادی است. اس امر را مسلم بدانیم که حتی همین جدالها و همین شاخ و مانه کشیها با آفای کارتر از جانب طرفین تا زمانی دنبال خواهد شد که محاسبات آنها نشان دهد که دشمن اصلی یعنی نوته های زحمتکش ایران استفاده نخواهند برد. در لحظه ای که احساس شود وضع چنین نیست مشتای "گسره کرده" مدل بدست دوستی و هم آغوشی میشود. محاسبه ی اول و آخر آمریکا و سایر نیروهای امپریالیستی و همدی مریعین، مناسبه مافع خود است و از آنها که همه میدانند بیصرف نیست نیروهای انقلابی بمعنای پایمان معیت طلبی آنها است همگی منفعا در مقابل آن خواهند ایستاد.

جنبش چپنها با نشان دادن هیت رژیم که علیرغم نوطه های امپریالیسم یکسال و اندی در قطع روابط با سر کرده ی امپریالیسم تحلل وررید، در شان دادن ماهیبر رژیم که هنوز هم از انشاء قراردادهای ایران و آمریکا انا میکند، رژیم که ساواک ساخنه ی

سیا و موساد را افشاء نکرده وار آن برای سرکوب نیروهای مرفعی و نوته های زحمتکش در تشکیل ساواک جدی (ساواما) استفاده میکند، و با نشان دادن کذایانه بودن "مبارزه ی آنست" که میتواند به رهائی نوته های زحمتکش از دام رژیم کمک کرده و آنها را حول محور یک مبارزه ی اصیل ضد امپریالیستی که مطلقا نمیتواند از مبارزه با سرمایه داری جدا باشد، بسیج کند. جنبش چپ باید این امر را نشان دهد و تبلیغ کند که جدال سرمایه داران بر سر لحاف ملاست. جدال بر سر قدرت یعنی جدال بر سر میزان سهم از انباشت ارزش اضافی تولید شده توسط نیروی کار کارگران است. جدال بر سر اینست که کدام یک بیشتر بجاید. هاپه یی ضد امپریالیستی از دهان سرمایه دار همتقدر حقیقت دارد که فریاد آزادی خواهی از دهان یک فاشیست. رسالت چپ تبلیغ این حقایق است که امکان تحقق دارد. بسیج حول محور مبارزه علیه امپریالیسم اگر با عناصر و اتحاد ضد سرمایه داری توام نباشد و نقش سازشکارانه ی رژیم را افشاء نکند جنبش چپ را به گمراه خواهد کشاند و تحت سلطه ی خرده بورژوازی قرار خواهد داد. یکسال و اندی تجربه ی مبارزه ی نوته های این امر را باید کاملا مسلم کرده باشد. □

رهائی نشریه

سازمان وحدت کمنوسی

رفقای هوادار! هموطنان مبارز!

حمایت های مالی شما سازمان را در پیشبرد اهداف مبارزاتی و توسعه ی فعالیت های مختلف یاری خواهد داد. کمکهای مالی خود را از هر طریق که میتوانید به سازمان برسانید.

انتشارات سازمان وحدت کمونیستی

- ۱ - پیرامون تعمیر مواضع ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق ایران .
- ۲ - نکاتی درباره پروسه تجانس .
- ۳ - پروسه تجانس، تبادل نظر بین سازمان چریک های فدائی خلق و گروه اتحاد کمونیستی (دفتر اول).
- ۴ - استالینسم، تبادل نظر (دفتر دوم)
- ۵ - اندیشه مائوتسهدون و سیاست خارجی چین (دفتر دوم) .
- ۶ - مرحله تدارک انقلابی .
- ۷ - مدخلی بر اقتصاد سیاسی (والیه - سالاما) .
- ۸ - مشکلات و مسائل جنبش .
- ۹ - بحران جدید سیاسی و اقتصادی رژیم و نقش نیروهای چپ .
- ۱۰ - چه نباید کرد؟ نقدی بر گذشته و رهنمودی برای آینده .
- ۱۱ - جنگ لبنان (از انتشارات مشترک سازمان وحدت کمونیستی و جبهه آزادیبخش فلسطین) .
- ۱۲ - مدخلی بر زندگی و آثار کارل مارکس و فردریش انگلس .
- ۱۳ - نشریه رهائی (تئوریک) شماره های ۱ و ۲ و ۳ و ۴ .
- ۱۴ - آنتی دورینگ (دفتر اول) .
- ۱۵ - در تدارک انقلاب سوسیالیستی .
- ۱۶ - انقلاب دمکراتیک سوسیالیستی .
- ۱۷ - مکاتبات مارکس و انگلس درباره ماتریالیسم تاریخی .
- ۱۸ - مارکسیسم و حزب .
- ۱۹ - تروتسکیسم فقط دیالکتیک لنینی .

★ ★ ★

همچنین جزوات زیر نیز توسط هواداران سازمان منتشر شده است .

- ۱ - نقدی بر درباره تضاد - اشتر
- ۲ - ترجمه نقدی بر "مبارزه طبقاتی درشوروی اشترتلهایم" از پل سوئز
- ۳ - سیاست حزب نوته قبل از انقلاب ، بعد از انقلاب .
- ۴ - در باره شوراه

... و



راه رشد...

نمودن طبقه‌ی کارگر و اعضای حزب به ماهیت برنامه‌های نب، نیز از این هراس سرچشمه میگرفت که چنین برنامه‌ای در صورت عدم هوشیاری رهبری، و در صورت ناشناخته ماندن میتواند موجب بروز انحرافات عمده‌ای در امر ساختمان سوسیالیسم گشته و دیکتاتوری طبقه را شدیداً تضعیف نماید. بدین ترتیب حتی موافقین نب نیز به اینکه آگاهی، بصیرت و روشن بینی دیکتاتوری پرولتاریا عمده‌ترین شرط موفقیت این برنامه در خدمت سوسیالیسم میباشد، اذعان داشتند.

تفاوت دیگر و بسیار مهم نب با راه رشد غیر سرما به داری، که الیافسکی بدان اشاره‌ای نمیکند، در ایست که نب یک برنامه‌ی اقتصادی تاکتیکی و موقتی بود، اما "راه رشد غیر سرما به داری" مشخص کننده‌ی یک دوران از تحول جامعه است، استراتژی مرحله‌ای از تکامل جامعه است، که به اعتراف الیافسکی میتواند مدتها طول بکشد. از همین رو آثارش نیز صرفاً در حد یک برنامه‌ی اقتصادی موقت باقی نمانده و بخصوص با توجه به نقش پروروازی در قدرت دولتی زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی گسترده‌ی را در بر میگیرد. حال سوال ما از الیافسکی و طرفدارانش اینست که، در جامعه‌ای عقب افتاده که در آن جنبش کارگری و تنکلات سیاسی آن ضعیف میباشند، پروروازی به نسبت اقشار دیگر جامعه مشکل تر و از آگاهی بیشتری برخوردار است، آیا خرده پروروازی آن مشخصات اجتماعی، و بخصوص آن دید و بینش سیاسی را دارد که در عین فراهم آوردن امکانات رشد و استحکام سرمایه داری در دوران طولانی، بتواند از

استحاله‌ی پروروازی بقدرت حاکم جلوگیری نماید؟ آیا خرده پروروازی آن آگاهی و بصیرتی را که لنین از رهبری حزب طبقه کارگر شوری در سالهای ۱۹۲۱ انتظار داشت را از خود نشان خواهد داد؟ جواب این سوالات در صورتی مثبت است که مفهوم های خاص سوسیالیسم علمی را از محتوی اجتماعی - تاریخی خود تهی سازیم، در صورتی مثبت است که "خرده پروروازی" را "سپرمن"ی انکاریم که برقرار طبقات و آزاد از هر گونه رابطه‌ی اجتماعی با آنان، بساوری نبسته و لابد با آگاهی از نقش تاریخی طبقه کارگر، آنهم تحت تاثیر برادران بزرگ "بلوک سوسیالیسم" نیمه موبیط طبقه کارگر را بر عهده گرفته و بجای او زمینه های سوسیالیسم را فراهم میآورد!

ادامه دارد

توضیحات :

- (۱) ص ۱۶
- (۲) ص ۹
- (۳) ص ۱۷
- (۴) ص ۱۹
- (۵) ص ۱۴
- (۶) ص ۱۵
- (۷) ص ۱۶
- (۸) ص ۱۸

اقتصاد تو حیدی...

های اقتصادی در زمینه های واردات حالا از قبل از انقلاب بیشتر شده است. (بنی صدر، سمینار کار - کیهان ۱۸ فروردین) جستجو برای اینکه بدانیم ایشان چه نوع زمینه هایی را، زمینه واقعی مبارزه با غرب میدانند بجای یافتن جواب ما را به این حقیقت رهنمون میشود که مقصود بنی صدر از "غرب" فقط در محدوده‌ی جغرافیائی است که وی معتقد است :

"ما مسلمان هستیم و اگر میخو-

اهیم در این زمینه ها تقلید کنیم بهتر است بجای اینکه از شیوه‌ی زندگی آمریکایی تقلید کنیم و این وابستگیهای فرهنگی را ادامه بدهیم از تیوه‌ی زندگی ژاپنی تقلید کنیم... ژاپن با

آن جمعیت عظیم دارای سومین اقتصاد دنیاست و از بسیاری جهات اگر کمیت را کنار بگذاریم از نظر کیفیت اولین اقتصاد روی زمین را داراست" (بنی صدر

همانجا (

بالاخره اقتصاد ایده آل آقای بنی صدر معلوم شد. بعید بنظر میرسد کسیه بنی صدر نداند که ژاپن در مرحله‌ی سرمایه داری انحصاری است و نتیجتاً بسیار هم "منکار"، طبیعتاً بنی صدر میدانند که اقتصاد ژاپن جز، ارتشیک همان سیستم سرمایه داری جهی است که آمریکا سر کرده اش است. ولی او ضمناً میداند که اکثریت مردم از این مسئله مطلع نیستند. اینجاست که صحت "در کدام قلمرو با امپریا - لیسم آمریکا مبارزه میکنیم در قلمرو فقط حرف". (بنی صدر، کنفرانس اسناداران - کیهان ۱۸ فروردین) روشن میشود.

ما هم موافقم آقای بنی صدر، رژیم حاکم "در قلمرو فقط حرف" با امپریالیسم آمریکا "مبارزه" میکند. زیرا نمیتوان اعتقاد به شروع بودن سود داشت و مدعی از بین بردن استثمار شد، نمیتوان کارگران را به کلوله بست و سرمایه داران

فراری را دعوت به بازگشت نمود و مدعی مبارزه با سرمایه داری شد، نمیتوان با حواس و زمینداران برکت علیه خلفها محدود و قراردادها ی کارک با امپریالیسم را حفظ کرد و دم از مبارزه ی ند امپریالیستی و قطع وابستگی زد. آیا باز هم میتوان ادعا کرد اسلام چیزی غیر از سرمایه داری و کمونیسم است؟ بنظر ما مسلماً چیزی غیر از کمونیسم است. □

توضیح

انقلاب بدون آگاهی سیاسی و فقط بطور سازمانی در مسوره بود و این منطوقه نیست. مسائل با آگاهی هر چند در چهارچوب خط منی نیست است عمومی سازمان قرار دارد. اما لزوماً "بمثابه صنعت گن گمناسیه" امریج سازمانی تلقی نمیشود.

اقتصاد تو حیدی

درسالی که گذشت

فریدریش پیرسا

از مدتها قبل از قیام بهمن ۵۷، این سوال برای بسیاری از غیر-کمونیستها طرح شده بود که "انقلاب" اسلامی و "جمهوری اسلامی" دارای چگونه اقتصادی خواهد بود. ولی باین سوال هرگز پاسخ روشنی داده شد. گاهی مردم را به اقتصاد دوران حضرت علی رجوع دادند بدون اینکه بطور مشخص بیان کنند که بالاخره در آن دوران چه نوع اقتصادی وجود داشته چون صرف اینکه "حضر علی خود روی زمین کار میکرد" که بیاگر سیستم اقتصادی خاصی نیست. گاهی گفتند اسلام چیزی سواي سرمایه‌داری و کمونیسم است، چیزی بین اسدو است، با هر دو متفاوت است (تفاوتش با کمونیسم که برای ما روشن بود ولی تفاوتش با سرمایه‌داری را روشن نکردند). گاهی گفتند اقتصاد محتلط برقرار خواهیم کرد (یعنی محلولی از سرمایه‌داری خصوصی و سرعم ایران سوسیالیسم و نه قول ما سرمایه‌داری دولتی). گاهی گفتند ما کمونیستها از لحاظ اقتصادی موافقم (اطلاعاتی) و گاهی گفتند و سوسیالیسم اقتصاد اسلامی بر خلاف سرمایه‌داری و کمونیسم مخالف نکانر (تراکم و با تمرکز) است. (بنی صدر)

بهر حال مسائل مختلف و از جمله اوضاع اجتماعی ستند که رهبران رژیم کوسی نتوانستند از بیان واضح نظریات خود سرباز زنند، ولی بعد از بغدرب رسیدن، رژیم خواه با حیدر خواه میبایست برنامه‌ی خود را ارائه دهد. حناج "لیبرال" رژیم متحدا مدانست که خواهان سرمایه‌داری است و این خواست خود را نیز علنا بیان میکرد و تا آنحانیکه شرایط اجتماعی اجازه میداد در ابتراه قدم برمیداشت و میدانست که برای نیل به آرمان خویش باید در ارتباط ارکانیک با امیریا-لیسم بایستی بماند. لیکن جناح دیگر که نماینده‌ی حربه بورژوازی بسود

از کلمه‌ی "سرمایه‌داری" دل خوشی ندانست. چرا که تحت این عنوان رژیم شاه برایش نادعی میشد و خوب بخاطر داشت که در دوران شاه توسط سرمایه‌داری (بزرگ) تحت فشار قرار گرفته و در معرض ورشکستگی و نابودی کامل بود.

بهر صورت در طی یکسالی که گذشت، دولتی کردن (بقول خودشان ملی کردن) بانکها، دولتی کردن تعدادی از کارخانه‌ها، سوسیالیسم بهره به کار مزد و از این قبیل را بعنوان اقدامات اصیل اقتصاد اسلامی بحویل مردم دادند و در مقابل تمام مخالفتها و اعتراضات فرباد برآوردند که "کدام انقلاب توانسته در عرض چند ماه مشکلات خود را حل کند؟" و پاسخ کمونیستها روس بود: مهم جهت حرکت و اقدامات است، کسی ادعا کند که مشکلات را ظرف چند ماه ندارد ولی جهت باید نشانگر حرکت بسوی قطع وابستگی به امپریالیسم باشد.

و جدر حال است که حال نفس‌آر گذشت‌نیز این بکمال از عمر جمهوری اسلامی، صحت نظر کمونیستها از زبان زبیران رژیم بیان مسود:

"بودجه‌ی ما یک بودجه وابسته و در نتیجه اقتصاد ما یک اقتصاد وابسته است" (مهندس حسینی در کنفرانس اساتیداران - اطلاعات ۱۸ فروردین)

"تد ترکیب بودجه‌ی ایران که نگاه میکنم میران وابستگی ما بعد از انقلاب بیشتر از قبل انقلاب شده است". (بنی صدر کنفرانس اساتیداران - بامداد ۱۸ فروردین)

حال ببینیم آقای بنی صدر که موجودی این نکته شده است و عملا بزبان بی ربانی اعلام شکست اهداف اعلام شده‌ی جمهوری اسلامی را می نماید، خود چه

برنامه‌ای دارد. ولی بنی صدر با تمام ادعاها و عوامفریبی‌ها و خود بررگ‌بینی‌ها نه تنها دارای برنامه‌ای نیست بلکه حتی نمیداند مشکل از کجا ناشی میشود:

"در سالی که گذشت هفتاد میلیارد تومان سهم بودجه‌ی عمرانی بود که در عمل ما نتوانستیم حتی نصف آنرا خرج کنیم. میدانم باید از سازمان برنامه و بودجه انتقاد کرد، با از استانداردها و با از هر دو" (بنی صدر همانجا)

ولی ما میدانیم که مشکل از اینجا ناشی میگردد که برای جایگزینی یک اقتصاد سالم و نوی بجای سرمایه‌داری فقط باید به سوسیالیسم علمی مجهز بود و با برنامه‌ریزی سوسیالیستی و جنم انداز نابودی مالکیت خصوصی اینکار را انجام داد و بر این اساس فقط طبعی کارگر مسلح بسوی سوسیالیسم است که با کنترل تولید و برنامه‌ریزی برای آن میتواند سرمایه‌داری را از بین ببرد. ولی بنی صدر که در سد بارباری سرمایه‌داری است، با وجود اینکه به اعتراض خود بمیدانند از چه کسی باید انتقاد کند، با اینحال باید به کسانی که ماضی بر سر راه وی هستند بشارت:

"اگر این آقایانی که خود را دلسوز مردم کردستان و مسعود میکنند گذاشته بودند ۲ میلیارد تومان... خرج آنجا بکنیم."

(بنی صدر نطق رور جمهوری اسلامی - کیهان ۱۴ فروردین)

بنی صدر واقعیت دیگری را نیز تشخیص داده است:

"از روزیکه انقلاب ما پیروز شده ما در زمینه‌های واقعی مبارزه با سلطه‌ی غرب پیشرفت داریم بلکه در بعضی زمینه‌ها عقب‌هم رفته‌ایم و وابستگی